



A Scientometric Analysis of Iranian Knowledge Management Research in Islamic World Science Citation Center (ISC)

Seyed Hamed Hashemi

Instructor, Department of Management, Payame Noor University, Tehran.

Ali Akbar Khasseh

*Corresponding author: Assistant prof, Department of Library and Information Science, Payame Noor University, Tehran.

Abstract

Purpose: The purpose of this study is to analyze the status of Persian knowledge management research based on the records in the Islamic World Science Citation Database (ISC) during the years 2008 to 2017.

Methodology: This is a scientometric applied research. Bibliometric techniques and social network analysis are used in conducting this research. The research population consists of articles published in the field of knowledge management that have been indexed in ISC database during a 10-years period (2008-2017). BibExcel, UCInet, NetDraw and Vosviewer are among software that were used for analyzing data and drawing maps in this research.

Findings: The results showed a relatively steady growth in the number of knowledge management articles indexed in ISC between 2008 and 2017. “Akhavan P” is considered to be Iran's top researcher in the field of knowledge management in terms of the number of articles, citations and h-index. Also, based on co-authorship indicators, again “Akhavan P” owns the best position in the network. Moreover, results indicated that keywords “Knowledge Management”, “Organizational Culture” and “Universities” are most frequent keywords in knowledge management research. Finally, results uncovered that 8 clusters are formed in knowledge management research.

Conclusions: Due to the diversity of authors from different disciplines among the articles as well as the variety of clusters resulting from co-word analysis, the present study confirms the theory that the field of knowledge management is an interdisciplinary one. Finally, based on integrative indicators, it can be stated that “Akhavan P” is the most influential researcher of Iran in knowledge management research during past 10 years.

Keywords: Knowledge Management, Scientometrics, H-index, Co-authorship, Centrality, Co-word Analysis, Research Evaluation.

Citation: Hashemi, S. H. & Khasseh, A. A. (2018). A Scientometric Analysis of Iranian Knowledge Management Research in Islamic World Science Citation Center (ISC). *Knowledge and Information Management*, 5(3), 71-88. (in Persian) (DOI): 10.30473/MRS.2019.46160.1377

Received: (12-05-2019)

Accepted: (23-06-2019)



تحلیل علم‌سنجی پژوهش‌های مدیریت دانش ایران در پایگاه استنادی جهان اسلام (آی.اس.سی)

سید حامد هاشمی

مری، گروه مدیریت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

علی اکبر خاصه

*نویسنده مسئول، استادیار، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

E-Mali: khasseh@gmail.com

چکیده

هدف: هدف از این پژوهش بررسی وضعیت پژوهش‌های فارسی زبان انجام شده در حوزه مدیریت دانش در پایگاه استنادی جهان اسلام (آی.اس.سی) در بازه زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۶ است.

روش‌شناسی: پژوهش حاضر از زمره پژوهش‌های کاربردی است که در آن از تکنیک‌ها و شاخص‌های علم‌سنجی و تحلیل شبکه اجتماعی استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه پژوهش‌های حوزه مدیریت دانش تشکیل می‌دهند که در بازه زمانی دهساله (۱۳۸۷ تا ۱۳۹۶) به زبان فارسی در پایگاه استنادی جهان اسلام نمایه شده‌اند. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها و ترسیم نقشه‌های این پژوهش از نرم‌افزارهای بی.ب.اکسل، یوسی.آی.نت، نت دراو و ووز-ویور استفاده شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد که تعداد مقالات آی.اس.سی در بازه زمانی دهساله (۱۳۸۷-۱۳۹۶) دارای رشدی نسبی داشتند. از نظر شاخص‌های تعداد مقاله، تعداد استناد و شاخص اچ، «اخوان پ» برترین نویسنده ایران در حوزه مدیریت دانش به شمار می‌رود. همچنین، از نظر شاخص‌های هم‌نویسندگی، مجدداً «اخوان پ» حائز بهترین جایگاه در شبکه است. کلیه دوازه‌های «مدیریت دانش»، «فرهنگ‌سازمانی» و «دانشگاه‌ها» پرتکرارترین کلیدواژه‌ها در مقالات حوزه مدیریت دانش ایران بوده است. همچنین، نتایج مربوط به خوشه‌بندی نشان داد که پژوهش‌های انجام شده در حوزه مدیریت دانش از هشت خوشه موضوعی اصلی تشکیل شده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به تنوع وجود نویسندگان از رشته‌های مختلف در بین مقالات و همچنین خوشه‌های متنوع حاصل از تحلیل هم‌واژگانی، پژوهش حاضر مؤید این نظریه است که حوزه مدیریت دانش حوزه‌ای میان‌رشته‌ای است. همچنین با توجه به جمیع شاخص‌های علم‌سنجی بررسی شده در این پژوهش، به نظر می‌رسد «اخوان پ» شاخص‌ترین پژوهشگر ایران در حوزه مدیریت دانش در یک دوره دهساله بوده است.

واژه‌های کلیدی: مدیریت دانش، علم‌سنجی، شاخص اچ، هم‌نویسندگی، مرکزیت، تحلیل هم‌واژگانی، ارزیابی پژوهش.

استناد: هاشمی، سید حامد و خاصه، علی اکبر (۱۳۹۷). پیاده‌سازی استاندارد توصیف و دسترسی به منبع (آردی‌ای) در سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی: الزامات آماده‌سازی پیشینه‌های کتابشناختی. *مدیریت اطلاعات و دانش‌شناسی*، ۵(۳)، ۷۱-۸۸.

(DOI): (DOI): 10.30473/MRS.2019.46160.1377

تاریخ دریافت: (۱۳۹۸/۰۲/۲۲)

تاریخ پذیرش: (۱۳۹۸/۰۴/۰۲)

مقدمه

مدیریت دانش را حوزه‌ای از دانش تعریف کرده‌اند که از طریق فراهم آوری، انتقال و اشتراک سرمایه‌های فکری، به‌ویژه دانش ضمنی و با استفاده از ابزارهای فناوری اطلاعات شامل نظام‌های اطلاعاتی و با بهره‌گیری از فنون هستان‌شناسی، به نوآوری و خلق دانش کمک می‌کند و بدین ترتیب، یادگیری سازمانی را ارتقا می‌بخشد (حاضری، توکلی‌زاده راوری و ابراهیمی، ۱۳۹۵). مدیریت دانش که از اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است، امروزه تبدیل به حوزه پژوهشی پایدار شده است و یکی از مؤلفه‌های اصلی و دائمی مدیریت به شمار می‌رود (گارلاتی و ماسارو^۱، ۲۰۱۶). این حوزه به علل مختلف از جمله ارزش و اهمیت آن در اقتصاد دانش‌مدار و داشتن ویژگی‌های میان‌رشته‌ای و دامنه وسیع کاربردها، فعالیت‌ها و موضوعات مرتبط با آن، توجه متخصصان حوزه‌های گوناگونی از جمله مدیریت، علوم رایانه و علم اطلاعات و دانش‌شناسی (کتابداری و اطلاع‌رسانی) را به خود جلب کرده است (حاضری، توکلی‌زاده راوری و ابراهیمی، ۱۳۹۵). به بیان دیگر، این حوزه ماهیتاً میان‌رشته‌ای است و مبانی نظری آن از رشته‌های مختلفی از قبیل علم اطلاعات و دانش‌شناسی، علوم رایانه، علوم سازمانی، ارتباطات و علوم شناختی برگرفته شده است (الاجمی و الحاجی^۲، ۲۰۱۸).

بالغبر دو دهه از فعالیت‌های پژوهشی در حوزه مدیریت دانش می‌گذرد و این حوزه در این مدت پیشرفته‌ای چشمگیری را تجربه کرده است و پتانسیل و اهمیت آن بیشتر شده است؛ که بخشی از آن به‌واسطه توسعه سریع در فناوری‌ها و همچنین دسترس‌پذیری بهتر به داده‌ها است (سارکا^۳ و دیگران، ۲۰۱۹). از دهه ۱۹۹۰ که اصطلاح و مفهوم مدیریت دانش با تأکید بیشتری مطرح شد تا به امروز پژوهشگران زیادی تمرکز علایق خود را بر پژوهش‌های این حوزه قرار داده‌اند و در عرصه بین‌المللی چنین پژوهش‌هایی با اقبال متخصصان از حوزه‌های مختلف روبه‌رو شده است. پژوهش‌های زبان فارسی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و در چند سال اخیر مباحث مربوط به مدیریت دانش، موضوع مطالعات متعددی شده است. اکنون که چند سال از شروع این موج سپری شده است به نظر می‌رسد زمان آن باشد که این پژوهش‌ها از منظر فنون علم‌سنجی ارزیابی شوند و تصویر روشن و جامعی از وضعیت کلی این حوزه فراهم آید. از این‌رو، بررسی وضعیت پژوهش‌های فارسی

زبان انجام شده در حوزه مدیریت دانش می‌تواند حاوی نکات جالبی باشد.

جهت نیل به هدف فوق لازم است از شاخص‌ها و فنون علم‌سنجی بهره برد. امروزه بسیاری از کمیته‌های ترفیع و ارتقا از این شاخص‌ها در سطوح مختلف برای ارزیابی میزان نفوذ پژوهشگران خود و آثار آن‌ها استفاده می‌کنند. به همین دلیل، شاخص‌های علم‌سنجی توجه بسیاری از محافل علمی را در سالیان اخیر به خود جلب کرده است (ایبانز^۴ و دیگران، ۲۰۱۱). بررسی آن دسته از پژوهش‌هایی که با استفاده از فنون علم‌سنجی در حوزه مدیریت دانش انجام شده است مبین آن است که گرچه این حوزه در سالیان اخیر از جانب پژوهشگران مختلف در برخی از کشورهای جهان مورد توجه قرار گرفته است، لکن بررسی وضعیت، جایگاه و نقش پژوهش‌های فارسی زبان در حوزه مدیریت دانش تاکنون موضوع پژوهشی نبوده است.

گرچه حوزه مدیریت دانش حوزه‌ای نسبتاً نو به شمار می‌رود، لکن در این مدت محدود پژوهش‌های علم‌سنجی در این حوزه انجام شده است که با هدف کسب درک بهتری از هویت این حوزه پژوهشی انجام شده‌اند (صدیقی و جلالی منش^۵، ۲۰۱۴). در یکی از این موارد، پانزی^۶ (۲۰۰۲) با استفاده از فنون علم‌سنجی، ساختار فکری دانش در این حوزه را در بازه زمانی پنج‌ساله (۱۹۹۴-۱۹۹۸) مطالعه کردند که نتایج پژوهش آنان نشان داد که مدیریت دانش ماهیتی میان‌رشته‌ای دارد که بخش اعظم آن به رشته مدیریت باز می‌گردد. سرنکو و دیگران (۲۰۱۰) نیز طی پژوهشی به بررسی اثر ماتریو بر حوزه مدیریت دانش و سرمایه فکری پرداختند. یافته‌های پژوهش آنان نشان داد که حوزه‌های مذکور در حال حاضر بسیار جوان و در عین حال جذاب به شمار می‌روند و توجه پژوهشگران و حرفه‌مندان از رشته‌های مختلفی را به خود جلب کرده‌اند. دویودی^۷ و دیگران (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای روند پژوهش‌ها در حوزه مدیریت دانش را مورد مطالعه قرار دادند. آن‌ها با بررسی ۱۰۴۳ مقاله در حوزه مدیریت دانش در بازه زمانی ۱۹۷۴ تا ۲۰۰۸ نشان دادند که پژوهش‌های سازمانی و زیست‌محیطی مبتنی بر مدیریت دانش جزو فراوان‌ترین موضوعات منتشره در حوزه مدیریت دانش بوده‌اند.

4. Ibanez

5. Sedighi & Jalalimanesh

6. Ponzi

7. Dwivedi

1. Garlatti & Massaro

2. Alajmi & Alhaji

3. Sarka

اقتیمی و لهنر^۵ (۲۰۱۶) به روش تحلیل محتوا تعداد ۷۵۵ مقاله پذیرفته شده در کنفرانس اروپایی مدیریت دانش^۶ را مورد مطالعه قرار داد و علایق پژوهشی پژوهشگران حوزه مدیریت دانش را نشان داد. نتایج پژوهش آن‌ها روشن ساخت که مقاله‌های این حوزه تأکید ویژه‌ای بر مباحث نظیر تسهیم دانش، انتقال دانش و خلق دانش دارند.

اخوان^۷ و دیگران (۲۰۱۶) در یک مطالعه علم‌سنجی به بررسی ۵۰۰ مقاله پراستناد در حوزه مدیریت دانش از نظر شاخص‌هایی نظیر تعداد نویسندگان، تعداد ارجاعات، صفحات، کلیدواژه‌ها، تعداد استنادات و چند شاخص دیگر پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که مقالات پراستناد در مدیریت دانش بیشتر مربوط به پژوهشگران ایالات متحده و انگلستان بوده است. علاوه بر این، آن‌ها نشان دادند که بین تعداد کلیدواژه‌ها، ارجاعات و صفحات یک مقاله با تعداد استنادات آن ارتباط معنی‌دار مثبتی وجود دارد. الاجمی و الحاجی (۲۰۱۸) در پژوهشی با استفاده از فنون علم‌سنجی، تعداد ۴۷۵ مقاله منتشرشده در مجله مدیریت اطلاعات و دانش^۸ در بازه زمانی ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۶ مورد بررسی قرار داد و نشان داد که تعداد مقالات این مجله در گذر زمان از رشد نسبی برخوردار بوده‌اند. همچنین پژوهشگران کشورهای ایالات متحده، هند و استرالیا جزو پیشتازان چاپ مقاله در مجله مذکور هستند. همچنین مقالات این مجله به وسیله مجلات پراستناد در رشته‌های علوم رایانه، کسب‌وکار و علم اطلاعات و دانش‌شناسی مورد استناد قرار می‌گیرند. مباحث موضوعی «کشف دانش»، «تاکسونومی و آنتولوژی» و «بازنمایی دانش» در زمره پررنگ‌ترین مباحث چاپ شده در این مجله بوده است.

چاکرابورتی و ورما^۹ (۲۰۱۸) نیز رساله‌های دکتری که در هند در زمینه مدیریت دانش انجام شده‌اند را بررسی کرد و نشان داد که پژوهش‌های این حوزه از سال ۲۰۰۹ به بعد آغاز شده‌اند و با گذشت زمان بر تعداد آن‌ها افزوده شده است. همچنین نتایج مطالعه آنان نشان داد که گروه‌های آموزشی «مدیریت» و «علم اطلاعات و دانش‌شناسی» گروه‌های پیشرو در انجام پژوهش‌های مدیریت دانش در هند هستند.

در داخل کشور نیز صدیقی و جلالی منش (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی روند پژوهش در حوزه مدیریت دانش در بازه زمانی ده‌ساله (۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰) و ترسیم ساختار آن با

لی و چن^۱ (۲۰۱۲) با انجام یک مطالعه علم‌سنجی بر روی تعداد ۱۰۹۷۴ مقاله که از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۰ چاپ شده بودند اقدام به بررسی ساختار فکری مدیریت دانش کردند. نتایج کار آن‌ها مقالات کلیدی و تأثیرگذار حوزه مدیریت دانش را شناسایی کرد که با توجه به ماهیت میان‌رشته‌ای مدیریت دانش، این مقالات متعلق به رشته‌های متنوعی بودند. ریپیر و والترا^۲ (۲۰۱۳) در پژوهشی اقدام به تحلیل محتوا و کلیدواژه‌های موجود در ۲۳۵ مقاله چاپ شده در مجله «پژوهش و عمل در مدیریت دانش»^۳ کردند. بازه زمانی پژوهش آن‌ها از سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۲ تشکیل شده بود. تجزیه و تحلیل کلیدواژه‌ها آشکار ساخت که محتوای مقالات چاپ شده در مجله مذکور بیشتر به مباحثی از قبیل اشتراک‌گذاری دانش، موردکاوی‌ها، خلق و تبدیل دانش، یادگیری سازمانی و راهبرد مدیریت دانش پرداخته‌اند. همچنین یافته‌های مربوط به متن‌کاوی نیز نشان داد که مباحث اصلی این مجله عبارت‌اند از: دانش سازمانی، مدیریت دانش راهبردی، مدیریت دانش عملیاتی، مدیریت دانش اجتماعی، طراحی نظام‌های مدیریت دانش، پیاده‌سازی نظام‌های مدیریت دانش، پروژه‌های مدیریت دانش، گروه‌ها و افراد. در ادامه پژوهش قبلی، والتر و ریپیر^۴ (۲۰۱۳) با استفاده از تحلیل استنادی و هم استنادی، پژوهش‌های انجام شده در یک بازه ده‌ساله در حوزه مدیریت دانش را مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها ۲۵۶ مقاله چاپ شده در مجله «پژوهش و عمل در مدیریت دانش» را در مطالعه خود گنجانده‌اند. یافته‌ها پراستنادترین مقالات مدیریت دانش را آشکار ساخت. همچنین تحلیل هم استنادی ۱۰۰ مقاله پراستناد در مجله مذکور نشان داد که چهار گروه موضوعی حول مدیریت دانش شکل گرفته است: الف. جوامع و یادگیری موقعیتی؛ ب. شبکه‌ها، تبدیل دانش و روش‌های پژوهشی؛ ج. مبانی مدیریت دانش و د. سرمایه فکری.

در پژوهشی دیگر، صدیقی و جلالی منش (۲۰۱۴) با استفاده از فنون علم‌سنجی نظام‌مند و تحلیلی، روند پژوهش در حوزه مدیریت دانش را بررسی کردند. جامعه پژوهش آن‌ها را مقالاتی تشکیل می‌داد که در وب آو ساینس نمایه شده بودند. تحلیل هم واژگانی پژوهش‌های مدیریت دانش نشان داد که مباحث اساسی مندرج در این پژوهش‌ها در بازه زمانی ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ تغییر کرده است و به طرز پویایی گسترده‌تر شده است.

5. Fteimi & Lehner

6. European Conference on Knowledge Management

7. Akhavan

8. Journal of Information & Knowledge Management

9. Chakraborty & Verma

1. Lee & Chen

2. Ribiere & Walter

3. Knowledge Management Research & Practice

4. Walter & Ribiere

فعال در این زمینه پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که حوزه‌های «سامانه‌های اطلاعاتی»، «مدیریت» و «علم اطلاعات و دانش‌شناسی» بیشترین کلیدواژه‌های با مرکزیت بالا را دارا می‌باشند. همچنین کلیدواژه «تسهیم دانش» مرکزی‌ترین کلیدواژه در سه حوزه مذکور به شمار می‌رود.

البته پژوهش‌های دیگری نیز وجود دارند که با استفاده از فنون متنوع علم‌سنجی و با اهداف مختلف در حوزه مدیریت دانش انجام شده‌اند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: چاول و دپرس^۱ (۲۰۰۲)، سرنکو و بانتیس^۲ (۲۰۰۴؛ ۲۰۰۹)، نوناکا و پلتاکورپی^۳ (۲۰۰۶)، گو و شفیلد^۴ (۲۰۰۸) و دیویودی و دیگران^۵ (۲۰۱۱). با توجه به موارد فوق پیرامون پژوهش‌های علم‌سنجی حوزه مدیریت دانش و عدم وجود پژوهشی مشابه درباره بررسی جایگاه پژوهش‌های مدیریت دانش به زبان فارسی، به نظر می‌رسد اکنون نوبت آن رسیده باشد که با استفاده از فنون علم‌سنجی این مهم تحت مطالعه قرار گیرد.

به‌طور کلی، بررسی آن دسته از پژوهش‌هایی که با استفاده از فنون علم‌سنجی در حوزه مدیریت دانش انجام شده است مبین آن است که گرچه این حوزه در سال‌های اخیر از جانب پژوهشگران مختلف در برخی از کشورهای جهان مورد توجه قرار گرفته است و به فهم ما در گستره مطالعاتی مدیریت دانش کمک کرده‌اند، لکن بررسی وضعیت، جایگاه و نقش پژوهش‌های فارسی زبان در حوزه مدیریت دانش تاکنون به‌طور جامع، موضوع پژوهشی نبوده است. دستاوردهای این پژوهش که از نخستین مطالعات انجام شده بر روی مقاله‌های فارسی حوزه مدیریت دانش در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام به شمار می‌رود، این آگاهی را به پژوهشگران علاقه‌مند به مباحث مدیریت دانش می‌دهد که تصویر و بینش مناسبی از روند و محتوای این حوزه در ایران به دست آورند و در صورت علاقه آن را با پژوهش‌های بین‌المللی مدیریت دانش مطابقت داده و درک نسبتاً مناسبی از محتوا و شتاب حرکتی پژوهش‌های فارسی زبان در حوزه مدیریت دانش به دست آورند. در همین راستا، به‌منظور دست یافتن به هدف پژوهش، سؤالات تحقیق حاضر عبارت‌اند از:

۱. روند پژوهش‌های انجام شده به زبان فارسی در حوزه

مدیریت دانش در پایگاه استنادی جهان اسلام چگونه است؟

استفاده از رکوردهای پایگاه وب آو ساینس پرداختند و نشان دادند که مقدار متوسط نرخ رشد سالانه انتشارات حوزه مدیریت دانش در بازه زمانی ده‌ساله حدود یازده درصد بوده است. همچنین از نظر موضوعی، بیشترین گرایش به برخی فناوری‌های اطلاعاتی پشتیبان، به‌ویژه «داده‌کاوی» و نیز مفاهیم و جنبه‌های سازمانی و اجتماعی حوزه مدیریت دانش بوده است.

کوکبی، حیدری و صراطی شیرازی (۱۳۹۳) در پژوهشی اقدام به مقایسه کتابشناختی بروندهای انتشاراتی حوزه‌های مدیریت دانش و مدیریت اطلاعات با تأکید بر سهم علم اطلاعات و دانش‌شناسی کردند. منبع اصلی داده‌های آنان پایگاه وب آو ساینس بود که پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها مشخص شد که گرچه حوزه مدیریت دانش در مقایسه با مدیریت اطلاعات از نظر تاریخی قدمت کمتری دارد، لکن تعداد تولیدات علمی آن بیش از مدیریت اطلاعات بوده است. همچنین رشته‌های مدیریت و علم اطلاعات و دانش‌شناسی به ترتیب بیشترین سهم را در پژوهش‌های مدیریت دانش داشته‌اند. احمدی و کوکبی (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای علم‌سنجی با استفاده از تحلیل همابندی واژگان اقدام به بررسی میزان همپوشانی موضوعی و مرز افتراق بین دو حوزه مدیریت دانش و مدیریت اطلاعات کردند. با تحلیل مقالات فارسی منتشر شده در نشریات و همایش‌های داخلی، آن‌ها نشان دادند که در حوزه مدیریت دانش تعداد ۲۳۰ کلیدواژه و در حوزه مدیریت اطلاعات ۱۲۳ کلیدواژه، مفاهیم اصلی این حوزه‌ها را تشکیل داده‌اند و در این میان، مرز مشترک بین این دو حوزه تنها هشت درصد بوده است. آن‌ها همچنین نشان دادند که رشته علم اطلاعات مرز مشترکی برای هر دو حوزه مدیریت دانش و مدیریت اطلاعات محسوب می‌شود.

در پژوهشی به روش تحلیل هم‌واژگانی، حاضری، توکلی‌زاده و ابراهیمی (۱۳۹۴) ساختار موضوعی مدیریت را با تحلیل کلیدواژه‌های مدارک موجود در پایگاه وب آو ساینس را مورد بررسی قرار دادند. نتایج مطالعه آنان نشان داد که حوزه‌های مدیریت و علم اطلاعات با داشتن ۱۴ خوشه موضوعی مشترک بیشترین شباهت را در پژوهش‌های حوزه مدیریت دانش با یکدیگر دارند. از جانب دیگر، حوزه سامانه‌های اطلاعاتی با ۲۸ خوشه متفاوت، بیشترین افتراق را با دو حوزه دیگر دارد. در ادامه پژوهش قبلی، حاضری، توکلی‌زاده و ابراهیمی (۱۳۹۵) در پژوهشی با تجزیه و تحلیل کلیدواژه‌های مدارک موجود در پایگاه وب آو ساینس، به بررسی ساختار موضوعی حوزه مدیریت دانش و تعیین جایگاه حوزه‌های علمی

1. Chauvel & Despres
2. Serenko & Bontis
3. Nonaka & Peltokorpi
4. Guo & Sehffield
5. Diwivedi & et al.

به‌منظور پاسخگویی به آن دسته از پرسش‌های پژوهش که مرتبط با کلیدواژه‌های به کار رفته در مقالات هستند، پیش از انجام هرگونه تجزیه و تحلیل، اقدام به یکدست‌سازی کلیدواژه‌ها شد. به بیان دقیق‌تر، در مرحله بعد به یکدست‌سازی اقدام شد و واژه‌های مشابه، یکسان، متشابه، حالت‌های جمع و مفرد ادغام شدند.

- جمع و مفرد کلیدواژه‌ها یکدست شدند.
- علائم اختصاری، به شکل کامل نوشته شدند.
- واژگان مترادف یکی شدند.

درخصوص آن دسته از پرسش‌های پژوهش که واحد تحلیل آن‌ها در سطح نویسنده است (ازجمله شناسایی پژوهشگران برتر و تأثیرگذار) نیز فرایند یکدست‌سازی ضرورت دارد؛ زیرا با توجه به ماهیت کاراکترهای فارسی، گاهی اسامی نویسندگان به شکل‌های متفاوتی نوشته می‌شود که لازم است پیش از هرگونه تحلیل اقدام به اصلاح و یکدست‌سازی آنان کرد. به همین دلیل، فرایند یکسان‌سازی اسامی نویسندگان نیز انجام شد.

یافته‌های پژوهش

روند پژوهش‌های مدیریت دانش در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، براساس راهبرد جستجوی به کار رفته در این پژوهش، یافته‌ها حاکی از آن است که در بازه زمانی ده‌ساله (۱۳۸۷-۱۳۹۶) تعداد ۸۳۹ مقاله در حوزه مدیریت دانش در پایگاه استنادی جهان اسلام نمایه شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که در طول یک دهه اخیر، پژوهش‌های فارسی در حوزه مدیریت دانش روندی با نوسان را داشته‌اند ولی روی هم رفته این روند نسبتاً صعودی بوده است (شکل ۱)؛ به‌طوری که تعداد پژوهش‌های این حوزه از ۲۰ مقاله در سال ۱۳۸۷ به ۷۴ مقاله در سال ۱۳۹۶ رسیده است. در یک دهه اخیر، توجه پژوهشگران به مباحث مدیریت دانش در سال ۱۳۹۳ بیش از سایر مهروموم‌ها بوده است، به‌طوری که در این سال تعداد ۱۲۸ مقاله در پایگاه استنادی جهان اسلام به ثبت رسیده است.

۲. پژوهشگران برتر مدیریت دانش از نظر تعداد مقاله، تعداد استناد و شاخص اچ چه کسانی هستند؟

۳. تأثیرگذارترین پژوهشگران حوزه مدیریت دانش براساس شاخص‌های مرکزیت هم تألیفی کدامند؟

۴. وضعیت پژوهش‌های فارسی زبان مدیریت دانش از نظر واژه‌های مورد استفاده چگونه است؟

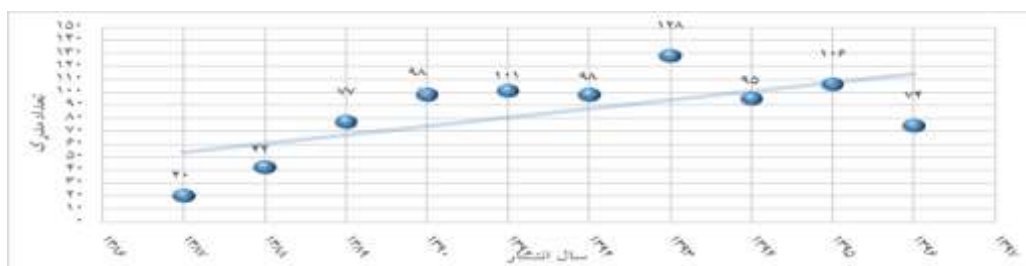
۵. تحلیل محتوا و ترسیم نقشه پژوهش‌های فارسی زبان مدیریت دانش منجر به شکل‌گیری چه خوشه‌های موضوعی است؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر نوع در زمره پژوهش‌های کاربردی است که در آن از تکنیک‌ها و شاخص‌های علم‌سنجی استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه پژوهش‌های حوزه مدیریت دانش تشکیل می‌دهند که در بازه زمانی ده‌ساله (۱۳۸۷ تا ۱۳۹۶) به زبان فارسی در پایگاه استنادی جهان اسلام نمایه شده‌اند. بدین منظور، پس از مراجعه به قسمت جستجوی پیشرفته در نمایه استنادی علوم (پایگاه استنادی جهان اسلام) از عبارت «مدیریت دانش» در فیلد عنوان استفاده شد. به‌بیان دیگر، معیار ارتباط مقاله‌ها با پژوهش حاضر، وجود عبارت «مدیریت دانش» در عنوان مدارک بوده است. شایان ذکر است که این راهبرد پیش‌تر در پژوهش احمدی و کوبکی (۱۳۹۴) نیز استفاده شده است.

به‌کارگیری راهبرد جستجوی فوق منجر به بازیابی ۸۳۹ رکورد شد که مبنای تجزیه و تحلیل در این پژوهش قرار گرفتند. گرچه رابط کاربر جستجوی پیشرفته در پایگاه استنادی جهان اسلام در مقایسه با رابط کاربر وب آو ساینس از فیلدهای جستجو و امکانات کمتری برخوردار است، اما انتظار می‌رود با انجام راهبرد فوق بخش زیادی از پژوهش‌های مربوط به مدیریت دانش که به زبان فارسی در مجلات آی.اس.سی به دست آمده باشند و قابلیت ارائه تصویر نسبتاً جامعی از این پژوهش‌ها ارائه نمایند.

پس از بازیابی رکوردهای، براساس اهداف و سؤالات پژوهش اقدام به تجزیه و تحلیل داده شد. با توجه به اهداف پژوهش حاضر، به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از ترکیبی از نرم‌افزارهای اکسل، بیب اکسل، یو.سی.نت، نت‌دراو و ووز-ویور استفاده شد.



شکل ۱. روند کمی پژوهش‌های مدیریت دانش در پایگاه استنادی جهان اسلام (۱۳۸۷-۱۳۹۶)

«رهنورد آهن ف» هر یک با دریافت ۴۶ استناد به‌طور مشترک در رتبه دوم جای دارند.

از رایج‌ترین معیارهایی که برای شناسایی پژوهشگران تأثیرگذار در یک حوزه بررسی می‌شود شاخص اچ است. این شاخص با هدف نشان دادن تأثیر جمعی برون‌داد پژوهشی پژوهشگران طراحی شده است و در بسیاری از رتبه‌بندی‌ها کاربرد دارد. شاخص اچ این قابلیت را دارد که دو شاخص مهم تعداد مقاله و تعداد استناد را به‌طور هم‌زمان لحاظ نماید و میزان تأثیرگذاری یک پژوهشگر را مورد ارزیابی قرار دهد. امروزه شاخص اچ از جایگاه برجسته‌ای برای ارزیابی عملکرد پژوهشگران برخوردار است و از آن به‌عنوان معیاری برای تصمیمات استخدام افراد و تخصیص بودجه استفاده می‌شود. علاوه بر این، با گسترش کاربرد این شاخص، از آن برای ارزیابی عملکرد علمی مجلات، دانشگاه‌ها و کشورها نیز بهره گرفته می‌شود. در واقع، شاخص اچ در حال حاضر یکی از رایج‌ترین ابزارهای رتبه‌بندی در بسیاری از رشته‌ها به‌شمار می‌رود. محاسبه و اعلام شاخص اچ در پایگاه‌های استنادی بزرگ از جمله اسکوپوس، وب آو ساینس و گوگل اسکالر نشان از جایگاه یگانه این شاخص دارد (تیتزه و هافمن، ۲۰۱۹). در این قسمت از پژوهش با توجه به تعداد مقالات نویسندگان و همچنین میزان استناداتی که هریک از مقالات آن‌ها دریافت کرده‌اند اقدام به محاسبه شاخص اچ و رتبه‌بندی آنان گردید. همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، «اخوان پ» با برخورداری از شاخص اچ ۵ بالاترین میزان شاخص اچ را در بین کلیه پژوهشگران مدیریت دانش از آن خود نموده است. شاخص اچ ۵ بدان معناست که ۵ مقاله از ۳۷ مقاله ایشان هر یک حداقل ۵ استناد دریافت کرده‌اند. از این حیث، سه پژوهشگر به‌نام‌های «موسی خانی م»، «عسگری ن» و «میر غفوری ح» با شاخص اچ ۴ به‌طور مشترک در رتبه دوم قرار گرفته است.

همان‌طور که اشاره شد اطلاعات مربوط به پژوهشگران برتر از نظر تعداد مقاله، تعداد استناد و بالاترین شاخص اچ در جدول ۱ ارائه شده است. افرادی که از هر سه نظر در زمره برترین‌ها قرار

پژوهشگران برتر مدیریت دانش ایران از نظر تعداد مقاله، تعداد استناد و شاخص اچ

امروزه به‌منظور ارزیابی عملکرد پژوهشگران از روش‌ها و شاخص‌های مختلف علم‌سنجی استفاده می‌شود که از رایج‌ترین آن‌ها می‌توان به شاخص تعداد مقاله، تعداد استناد دریافتی و شاخص اچ اشاره کرد. در این قسمت از پژوهش، پژوهش‌های مدیریت دانش از منظر این سه شاخص مورد بررسی قرار گرفت (جدول ۱) در بین این شاخص‌ها، تعداد مقاله از جمله شاخص‌های سنتی و قدیمی است که هم‌اکنون نیز در برخی از دانشگاه‌های ایران کاربرد دارد. تجزیه و تحلیل اولیه داده‌ها حاکی از آن است که در کل پژوهش‌های حوزه مدیریت دانش ایران در پایگاه استنادی جهان اسلام، «اخوان پ» با تألیف و مشارکت در ۳۷ مقاله فعال‌ترین پژوهشگر مدیریت دانش ایران به‌شمار می‌رود. «جعفری م» و «موسی خانی م» نیز با اختلاف بسیار زیادی نسبت به نفر اول، به ترتیب با ۱۵ و ۱۳ مقاله در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند.

از نظر تعداد استنادات نیز تجزیه و تحلیل اولیه داده‌ها نشان داد که ۸۳۹ مقاله تحت بررسی مجموعاً ۱۶۰۹ استناد دریافت کرده‌اند که به‌طور متوسط هر مقاله حدود ۲ استناد داشته است. در این میان، مقاله «شناسایی عوامل کلیدی موفقیت سیستم مدیریت دانش در دانشکده‌ها و مراکز آموزش عالی تهران» که در سال ۱۳۸۸ توسط «رهنورد آهن ف» و «محمدی ا» در مجله مدیریت فناوری اطلاعات چاپ شده است پراستنادترین مقاله در بین کلیه پژوهش‌های مدیریت دانش در پایگاه استنادی جهان اسلام محسوب می‌شود. این مقاله تا زمان گردآوری داده‌ها در این پژوهش ۴۶ استناد در آی.اس.سی دریافت کرده است. تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به پراستنادترین پژوهشگران نشان می‌دهد که «اخوان پ» که دارای ۳۷ مقاله در حوزه مدیریت دانش است با دریافت ۸۵ استناد، در اینجا نیز با اختلاف نسبتاً زیادی نسبت به سایر پژوهشگران، پراستنادترین پژوهشگر حوزه مدیریت دانش ایران در پایگاه آی.اس.سی به‌شمار می‌رود و «محمدی ا» و

«خیراندیش م» اشاره کرد که علیرغم این که از نظر تعداد مقاله عملکرد بسیار خوبی داشته‌اند و در رتبه‌های دوم و چهارم قرار گرفته‌اند، لکن از نظر تعداد استنادات وضعیت متناسبی ندارند؛ به طوری که براساس تجزیه و تحلیل داده‌ها، «جعفری م» تنها ۱۷ استناد و «خیراندیش م» ۱۵ استناد دارد و نتوانسته‌اند در کنار کمیت آثارشان، کیفیت را نیز به‌طور متناسب ارتقا دهند.

دارند به صورت پرنرنگ از سایرین متمایز شده‌اند. به بیان دیگر، افرادی که نام آن‌ها به صورت پرنرنگ نشان داده شده است، در کنار آنکه از نظر کمی تعداد قابل توجهی آثار را به چاپ رسانیده‌اند، از نظر کیفی (تعداد استناد) نیز توانسته‌اند عملکرد مناسبی داشته باشند. از نکات جالب در این جدول می‌توان به‌عنوان مثال به پژوهشگرانی از قبیل «جعفری م» و

جدول ۱. برترین پژوهشگران مدیریت دانش براساس تعداد مقاله، استناد و شاخص اچ

رتبه بر اساس مقاله			رتبه بر اساس استناد			رتبه بر اساس شاخص اچ		
رتبه	نام پژوهشگر	تعداد مقاله	رتبه	نام پژوهشگر	تعداد استناد	رتبه	نام پژوهشگر	شاخص اچ
۱	اخوان پ	۳۷	۱	اخوان پ	۸۵	۱	اخوان پ	۵
۲	جعفری م	۱۵	۲	محمدی ا	۴۶	۲	موسی خانی م	۴
۳	موسی خانی م	۱۳	۳	رهنورد آهن ف	۴۶	۳	عسگری ن	۴
۴	خیراندیش م	۱۰	۴	موسی خانی م	۴۴	۴	میرغفوری ح	۴
۵	عسگری ن	۹	۵	هنری ح	۴۳	۵	هنری ح	۳
۶	شعبانی ا	۹	۶	بزدانی ح	۴۱	۶	بزدانی ح	۳
۷	مرادی م	۹	۷	شهائی ب	۳۹	۷	حسن زاده م	۳
۸	کنجکاو منفرد ا	۸	۸	انواری رستمی ع	۳۹	۸	منوریان ع	۳
۹	شفیعی نیک‌آبادی م	۸	۹	حسن زاده م	۳۱	۹	سیدعامری م	۳
۱۰	رضایی ن	۸	۱۰	ساعدی م	۳۱	۱۰	کنجکاو منفرد ا	۳
۱۱	احمدی ع	۷	۱۱	دسترنج ممقانی ن	۲۹	۱۱	الهی ش	۳
۱۲	خدپور آ	۷	۱۲	گودرزی م	۲۷	۱۲	صادقی آرانی ز	۳
۱۳	محمدی ف	۷	۱۳	منوریان ع	۲۶	۱۳	جعفری م	۳
۱۴	شامی زنجانی م	۷	۱۴	اسماعیل زاده م	۲۶	۱۴	حسنقلی پور ط	۳
۱۵	حسن زاده م	۶	۱۵	رنجبری م	۲۵	۱۵	جامی پور م	۳
۱۶	صلواتی ع	۶	۱۶	ثقفی ف	۲۵	۱۶	خدپور آ	۳
۱۷	میرغفوری الله ح	۶	۱۷	برومند م	۲۵	۱۷	خیراندیش م	۲
۱۸	الهی ش	۶	۱۸	ابوترابی م	۲۵	۱۸	شعبانی ا	۲
۱۹	قربانی زاده وجهاله ق	۶	۱۹	اولیایی ا	۲۵	۱۹	مرادی م	۲
۲۰	پربرخ م	۶	۲۰	دستگردی ک	۲۵	۲۰	شفیعی نیک‌آبادی م	۲

و مشارکت بین پژوهشگران با تخصص‌های متفاوت گسترش یافته است که از بهبود کیفیت پژوهش‌های علمی، کارایی و رؤیت‌پذیری بیشتر می‌توان به‌عنوان برخی از دلایل این رویکرد نام برد. هم نویسندگی یکی از مهم‌ترین روش‌هایی است که از آن می‌توان برای نشان دادن روابط بین پژوهشگران استفاده می‌شود. تحلیل هم نویسندگی این قابلیت را دارد که تکامل همکاری بین پژوهشگران را ترسیم نموده و نویسندگان فعال را شناسایی نماید. همچنین روابط بین این نویسندگان نیز بدین طریق قابل کشف است (چن و دیگران، ۲۰۱۹). با توجه به موارد فوق، یکی از مواردی که باعث تأثیرگذاری یک پژوهشگر

تأثیرگذارترین پژوهشگران مدیریت دانش ایران براساس شاخص‌های مرکزیت هم‌تألیفی

نویسندگی علمی موضوعی است که دائماً مورد توجه پژوهشگران بوده است (لین، فلچر و گارگ، ۲۰۱۹). پژوهشگران از رشته‌های مختلف هر روزه با محیط‌های علمی و پیشرفت‌های جدیدی مواجه می‌شوند که در نتیجه توسعه در فنون، ابزارها و روش‌های علمی است. بنابراین، امروزه همکاری

همچنین نقشه‌های هم‌نویسندگی نیز با استفاده از «نت‌دراو» ترسیم شدند.

نتایج اولیه نشان داد که تعداد ۸۳۹ مقاله‌ای که در پایگاه استنادی جهان اسلام در حوزه مدیریت دانش نمایه شده است در مجموع توسط ۲۲۰۱ نویسنده انجام شده است که به‌طور میانگین ۲/۶۲ نفر در هر مقاله سهیم بوده‌اند. این عدد نشان می‌دهد که میزان مشارکت در تألیف مقالات این حوزه چشمگیر است.

نقشه هم‌تألیفی پژوهشگران مدیریت دانش که با استفاده از نرم‌افزارهای بایب اکسل، UCInet و NetDraw اقدام به ایجاد ماتریکس و ترسیم آن شده است در شکل ۲ ملاحظه می‌گردد. این شبکه از ۹۷ گره تشکیل شده است که هریک بیانگر یک پژوهشگر است. این شبکه از ۱۸ مؤلفه مختلف تشکیل شده است که بزرگ‌ترین آن‌ها به ترتیب شامل ۵۷ و ۶ پژوهشگر می‌باشند که در شکل‌های ۳ و ۴ پس از بزرگ‌نمایی نشان داده شده‌اند. به بیان دقیق‌تر، همان‌طور که در شکل ۲ مشاهده می‌شود، این شبکه مؤلفه‌های دیگری نیز دارد که به قرار زیر هستند:

۱۴ مؤلفه دونفری (مجموعاً ۲۸ نفر)

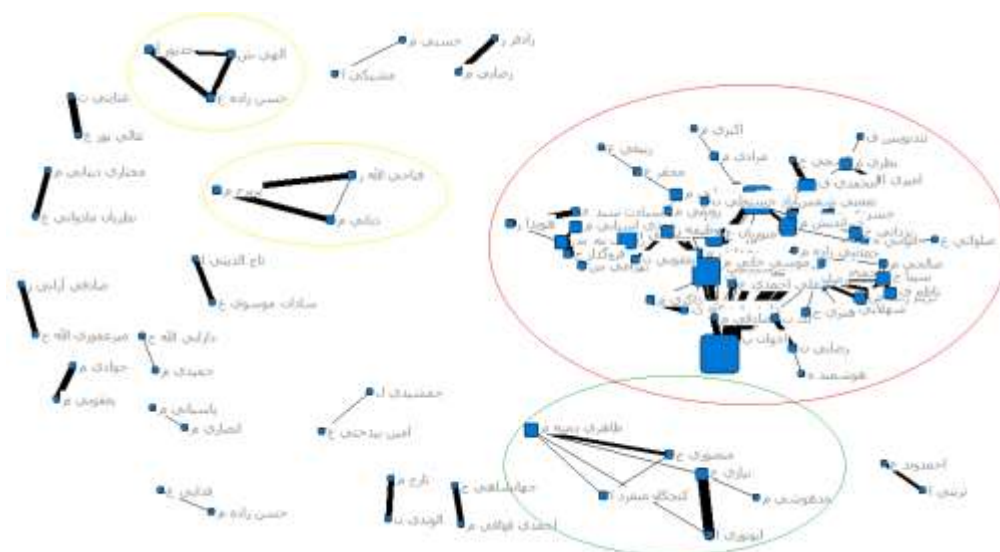
۲ مؤلفه سه‌نفری (مجموعاً ۶ نفر)

۱ مؤلفه شش‌نفری (مجموعاً ۶ نفر)

۱ مؤلفه پنجاه‌وهفت نفری (مجموعاً ۵۷ نفر)

در حوزه تخصصی‌اش می‌شود نحوه تعامل او با سایر پژوهشگران است. توانایی تأثیرگذاری بر دیگران از این طریق باعث می‌گردد تا آن پژوهشگر از نفوذ اجتماعی بالاتری برخوردار شود (تروئکس و دیگران، ۲۰۰۹). به عبارت دیگر، پژوهشگری دارای نفوذ اجتماعی بالاتر است که قادر باشد از طریق تعاملات اجتماعی با سایر پژوهشگران افکار را تغییر دهد.

در این پژوهش، به‌منظور انجام تحلیل هم‌نویسندگی، ابتدا کلیه نویسندگان مدارک تحت مطالعه استخراج شدند. آنگاه مرحله ویرایش، اصلاح و یکدست‌سازی نویسندگان انجام شد و افرادی که نام‌شان به چند طریق نوشته شده بود تبدیل به نام ارجح گردیدند. به‌عنوان مثال، با توجه به ویژگی‌های خاص کاراکترهای فارسی، گاهی به‌طور متفاوت یک نام واحد به دو یا چند طریق نوشته شده بود. به‌عنوان مثال: «قائد» و «قاید»؛ همچنین در بسیاری موارد به دلیل اعمال یا عدم اعمال «نیم‌فاصله» یک نام واحد به دو شکل به‌عنوان نویسنده در مقالات آمده بود. به‌عنوان مثال: «قاسمی‌نژاد» و «قاسمی نژاد» یا «قربانی‌زاد» و «قرانی‌زاد» که این موارد پس از کسب اطمینان از اصالت نویسنده اصلاح شد. در مرحله بعد، هم‌رخدادی نویسندگان محاسبه شد و سپس با قرار دادن نقطه برش بر روی نویسندگان که حداقل سه مقاله داشتند (۱۲۳ نفر) اقدام به طراحی ماتریس مربعی مربوط به هم‌نویسندگی شد. سپس با استفاده از نرم‌افزار یو.سی.آی.نت مورد فراخوانی قرار گرفت و سپس انواع مرکزیت‌های موردنیاز محاسبه شدند.



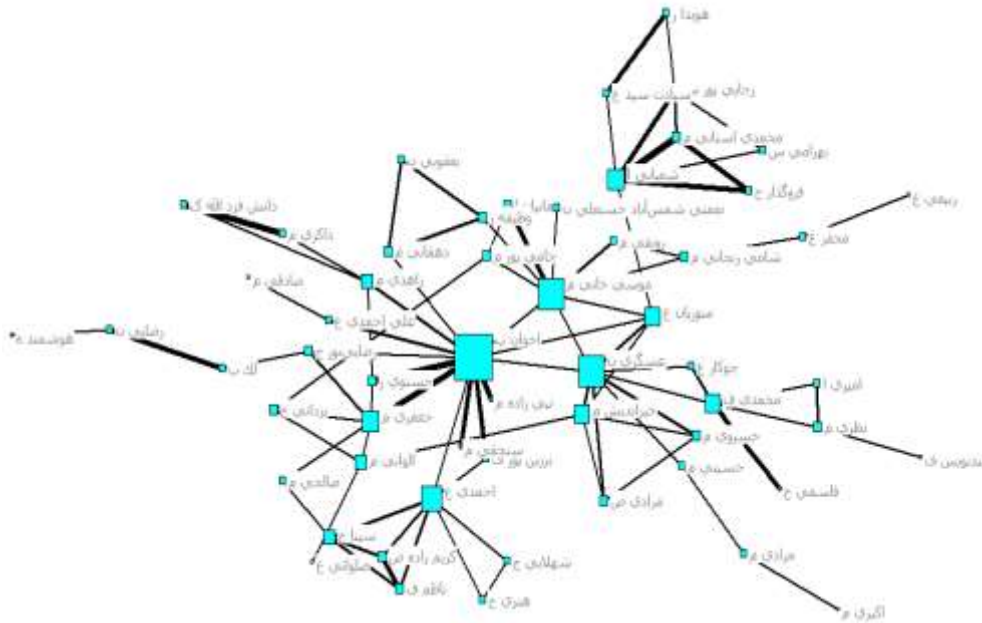
شکل ۲. شبکه هم‌تألیفی پژوهشگران حوزه مدیریت دانش

و ترسیم آن شده است در شکل ۳ ملاحظه می‌شود. این مؤلفه شامل ۵۷ پژوهشگر پرتعامل ایران در حوزه مدیریت دانش

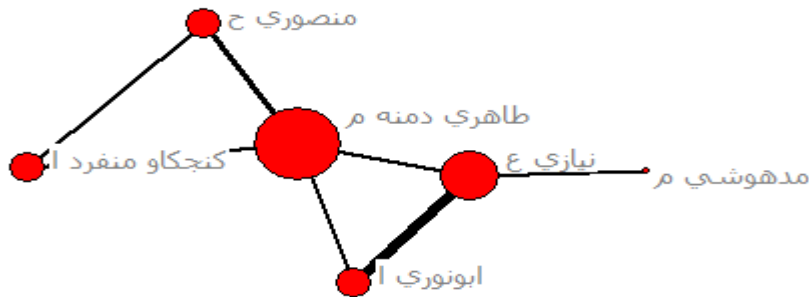
بزرگ‌ترین مؤلفه هم‌تألیفی پژوهشگران حوزه مدیریت دانش که با استفاده از نرم‌افزارهای UCInet و NetDraw طراحی

همکاری و هم‌نویسندگی آن‌ها در نگارش و چاپ مقالات است.

است. در این مؤلفه‌ها هر گره بیانگر یک پژوهشگر است و ضخامت خطوط (پیوندهای) بین نویسندگان نشان‌دهنده میزان



شکل ۳. بزرگ‌ترین مؤلفه موجود در شبکه هم‌تألیفی پژوهشگران مدیریت دانش (۵۷ پژوهشگر)



شکل ۴. دومین مؤلفه بزرگ در شبکه هم‌تألیفی پژوهشگران مدیریت دانش (۶ پژوهشگر)

متعددی را به یکدیگر متصل نماید. از «شعبانی ا»، «عسگری ن»، «موسی خانی م»، «احمدی ع»، «جعفری م»، «خیراندیش م» و «منوریان ع» می‌توان به‌عنوان سایر پژوهشگران برتر در حوزه مدیریت دانش نام برد که توانسته‌اند در هر سه نوع مرکزیت موفق عمل کنند. این افراد بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری شبکه تعاملات پژوهشی در حوزه مدیریت دانش داشته‌اند؛ به‌طوری که راه‌های ارتباطی بسیاری از پژوهشگران (گره‌های) دیگر از این پژوهشگران می‌گذرد. همچنین، این افراد بیشترین نزدیکی را به سایر پژوهشگران حوزه مدیریت دانش دارند و به همین دلیل بیشترین قدرت تأثیرگذاری را در شبکه از آن خود کرده‌اند

به‌منظور تحلیل نقشه‌های فوق لازم است آن را بر اساس سه نوع مرکزیت مهم مورد بررسی قرار دهیم. داده‌های مربوط به ۲۰ پژوهشگر برتر مدیریت دانش براساس انواع مرکزیت در جدول ۲ ارائه شده است. افرادی که در هر سه نوع مرکزیت جزو ۲۰ پژوهشگر برتر هستند به صورت پررنگ متمایز شده‌اند. همچنین افرادی که در دو نوع مرکزیت، جزو ۲۰ پژوهشگر برتر قرار گرفته‌اند به صورت زیرخطدار نشان داده شده‌اند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود «اخوان پ» در هر سه نوع مرکزیت رتبه، بینایی و نزدیکی برترین پژوهشگر ایران به شمار می‌رود. نگاهی به شکل ۳ موقعیت استراتژیک این پژوهشگر را نشان می‌دهد که توانسته ارتباطات زیادی با سایر پژوهشگران مدیریت دانش برقرار کرده و همچنین پژوهشگران

جدول ۲. رتبه‌بندی پژوهشگران مدیریت دانش براساس مرکزیت‌های رتبه، بینابینی و نزدیکی

رتبه براساس مرکزیت درجه			رتبه براساس مرکزیت بینابینی			رتبه براساس مرکزیت نزدیکی		
رتبه	نام پژوهشگر	مرکزیت درجه	رتبه	نام پژوهشگر	مرکزیت بینابینی	رتبه	نام پژوهشگر	مرکزیت نزدیکی
۱	اخوان پ	۲۸	۱	اخوان پ	۸۹۱/۲	۱	اخوان پ	۱/۴۸۱
۲	شعبانی ا	۱۴	۲	عسگری ن	۵۳۰/۶۳۳	۲	عسگری ن	۱/۴۷۹
۳	عسگری ن	۱۳	۳	موسی خانی م	۳۹۳/۸۶۷	۳	منوریان ع	۱/۴۷۸
۴	موسی خانی م	۱۲	۴	منوریان ع	۳۶۰/۶۳۳	۴	موسی خانی م	۱/۴۷۸
۵	احمدی ع	۱۰	۵	شعبانی ا	۳۰۶/۱۶۷	۵	جعفری م	۱/۴۷۴
۶	جعفری م	۱۰	۶	احمدی ع	۲۴۷/۱۶۷	۶	احمدی ع	۱/۴۷۳
۷	محمدی استانی م	۱۰	۷	محمدی ف	۲۱۱	۷	رضایی نور ج	۱/۴۷۳
۸	محمدی ف	۸	۸	رضایی نور ج	۱۵۹	۸	برزین پور ف	۱/۴۷۲
۹	رجایی پور س	۷	۹	جعفری م	۱۳۳/۲	۹	حسنوی ر	۱/۴۷۲
۱۰	سیناح	۷	۱۰	حسینی م	۱۰۸	۱۰	خیراندیش م	۱/۴۷۲
۱۱	کریم زاده ص	۷	۱۱	زاهدی م	۱۰۸	۱۱	دهقانی م	۱/۴۷۲
۱۲	ناظم ف	۷	۱۲	شامی زنجانی م	۱۰۸	۱۲	زاهدی م	۱/۴۷۲
۱۳	نیازی ع	۷	۱۳	لک ب	۱۰۸	۱۳	سنجقی م	۱/۴۷۱
۱۴	ابونوری ا	۶	۱۴	الوانی م	۷۰/۳۳۳	۱۴	علی احمدی ع	۱/۴۷۱
۱۵	پربرخ م	۶	۱۵	خیراندیش م	۶۴/۶	۱۵	نبی زاده م	۱/۴۷۱
۱۶	حسن زاده ع	۶	۱۶	رضایی ن	۵۵	۱۶	جامی پور م	۱/۴۷۰
۱۷	حسنوی ر	۶	۱۷	علی احمدی ع	۵۵	۱۷	جوکار ع	۱/۴۷۰
۱۸	خیراندیش م	۶	۱۸	محقر ع	۵۵	۱۸	حسینی م	۱/۴۷۰
۱۹	فروگذار ح	۶	۱۹	مرادی م	۵۵	۱۹	خسروی م	۱/۴۷۰
۲۰	منوریان ع	۶	۲۰	نظری م	۵۵	۲۰	شعبانی ا	۱/۴۷۰

وضعیت پژوهش‌های مدیریت دانش ایران از نظر کلیدواژه‌های مورد استفاده

در این قسمت، ابتدا کلیه کلیدواژه‌های استفاده شده در پژوهش‌های حوزه مدیریت دانش استخراج و در قالب فایل اکسل وارد شدند. سپس لازم بود مرحله ویرایش و یکدست سازی فایل کلیدواژه‌ها انجام شود. بدین منظور، در این قسمت برخی کلیدواژه‌ها که حاوی مفاهیم یکسان و مترادف بوده اما توسط نویسندگان مقاله به اشکال متفاوتی نوشته شده بودند بررسی و اصلاح شدند («عوامل حیاتی موفقیت» و «عوامل کلیدی موفقیت»). همچنین موارد مرتبط با استفاده/عدم استفاده از نیم‌فاصله‌ها نیز لحاظ شد.

نتایج نشان داد که در ۸۳۹ مقاله نمایه شده در حوزه مدیریت دانش در پایگاه استنادی جهان اسلام، ۱۶۴۵ کلیدواژه منحصر به فرد استفاده شده است که این کلیدواژه‌ها مجموعاً ۳۷۹۵ بار تکرار شده‌اند و هر مقاله به‌طور متوسط حاوی ۴/۵۲ کلیدواژه بوده است. جدول ۳، بیست کلیدواژه‌ای که بیشترین فراوانی را دارند نشان می‌دهد و همان‌طور که مشخص است کلیدواژه «مدیریت دانش» با ۷۴۲ بار تکرار، بیشترین فراوانی را در بین کلیه کلیدواژه‌ها داشته است. «فرهنگ‌سازمانی» و «دانشگاه‌ها» نیز با فراوانی ۱۰۸ و ۹۲ به ترتیب در رتبه‌های دوم و سوم قرار گرفته‌اند.

جدول ۳. رتبه‌بندی کلیدواژه‌های حوزه مدیریت دانش بر اساس فراوانی

رتبه	کلیدواژه	فراوانی	رتبه	کلیدواژه	فراوانی
۱	مدیریت دانش	۷۴۲	۱۱	عوامل حیاتی موفقیت	۳۳
۲	فرهنگ‌سازمانی	۱۰۸	۱۲	عملکرد سازمانی	۳۳
۳	دانشگاه‌ها	۹۲	۱۳	سرمایه اجتماعی	۳۲

۴	دانش	۷۷	۱۴	تسهیم دانش	۳۰
۵	سازمان‌ها	۵۳	۱۵	توانمندسازی	۲۹
۶	نوآوری	۴۲	۱۶	خلق ارزش	۲۸
۷	فرایندهای مدیریت دانش	۳۷	۱۷	ساختار سازمانی	۲۷
۸	استراتژی مدیریت دانش	۳۷	۱۸	یادگیری سازمانی	۲۵
۹	فناوری اطلاعات	۳۴	۱۹	سرمایه فکری	۲۴
۱۰	شرکت‌ها	۳۴	۲۰	خلاقیت	۲۲

پس از بررسی فراوانی کلیدواژه‌ها، آن دسته از کلیدواژه‌هایی که حداقل پنج بار تکرار شده بودند در تحلیل هم‌واژگانی وارد شدند. پس از تعیین آستانه برای شمول کلیدواژه‌ها در تحلیل هم‌واژگانی، تعداد ۶۵ کلیدواژه وارد تحلیل نهایی شدند و میزان هم‌رخدادی کلیدواژه‌ها یا همان هم‌واژگانی آن‌ها به دست آمد. در این مرحله، میزان هم‌واژگانی کلیدواژه‌های پرتکرار با کلیه کلیدواژه‌های موجود در مقاله‌ها به دست آمد که توزیع فراوانی مربوط به ۲۰ زوج هم‌واژگانی پرتکرار در جدول ۴، قابل مشاهده است.

پس از بررسی فراوانی کلیدواژه‌ها، آن دسته از کلیدواژه‌هایی که حداقل پنج بار تکرار شده بودند در تحلیل هم‌واژگانی وارد شدند. پس از تعیین آستانه برای شمول کلیدواژه‌ها در تحلیل هم‌واژگانی، تعداد ۶۵ کلیدواژه وارد تحلیل نهایی شدند و میزان هم‌رخدادی

جدول ۴. توزیع فراوانی ۲۰ زوج برتر هم‌واژگانی در حوزه مدیریت دانش

رتبه	زوج هم‌واژگانی	فراوانی
۱	مدیریت دانش *** فرهنگ سازمانی	۱۰۸
۲	مدیریت دانش *** دانشگاه‌ها	۹۱
۳	مدیریت دانش *** دانش	۸۳
۴	مدیریت دانش *** سازمان‌ها	۵۲
۵	نوآوری *** مدیریت دانش	۴۱
۶	مدیریت دانش *** عملکرد سازمانی	۳۴
۷	مدیریت دانش *** فناوری اطلاعات	۳۴
۸	مدیریت دانش *** شرکت‌ها	۳۲
۹	مدیریت دانش *** عوامل حیاتی موفقیت	۳۱
۱۰	مدیریت دانش *** سرمایه اجتماعی	۳۰
۱۱	مدیریت دانش *** ساختار سازمانی	۲۹
۱۲	مدیریت دانش *** خلق ارزش	۲۶
۱۳	مدیریت دانش *** توانمندسازی	۲۴
۱۴	یادگیری سازمانی *** مدیریت دانش	۲۴
۱۵	مدیریت دانش *** تسهیم دانش	۲۱
۱۶	مدیریت دانش *** فرایندهای مدیریت دانش	۲۱
۱۷	مدیریت دانش *** کتابخانه‌های دانشگاهی	۲۰
۱۸	فرهنگ سازمانی *** دانشگاه‌ها	۲۰
۱۹	مدیریت دانش *** خلاقیت	۱۹
۲۰	مدیریت دانش *** سرمایه فکری	۱۹

همان‌طور که در جدول نیز مشاهده می‌شود، هم‌رخدادی بین دو کلیدواژه «مدیریت دانش-فرهنگ سازمانی» با اختلاف فاحش به سایر زوج‌ها، بیشترین فراوانی را در پژوهش‌های مدیریت دانش داشته است. به طوری که این دو کلیدواژه، به‌طور هم‌زمان در ۱۰۸ مقاله تکرار شده‌اند. دو زوج «مدیریت دانش-دانشگاه‌ها» و «مدیریت دانش-دانش» در رتبه‌های دوم و سوم جای گرفته‌اند.

همان‌طور که در جدول نیز مشاهده می‌شود، هم‌رخدادی بین دو کلیدواژه «مدیریت دانش-فرهنگ سازمانی» با اختلاف فاحش به سایر زوج‌ها، بیشترین فراوانی را در پژوهش‌های مدیریت دانش داشته است. به طوری که این دو کلیدواژه، به‌طور

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی شد با استفاده از فنون علم‌سنجی، تصویر نسبتاً جامعی از وضعیت پژوهش‌های فارسی حوزه مدیریت دانش در پایگاه استنادی جهان اسلام در یک بازه زمانی ده‌ساله (۱۳۸۷ تا ۱۳۹۶) ارائه شود و روند این پژوهش‌ها، پژوهشگران برتر مدیریت دانش از نظر تعداد مقاله، تعداد استناد و شاخص اچ و همچنین تأثیرگذارترین پژوهشگران حوزه مدیریت دانش براساس شاخص‌های مرکزیت هم‌تألیفی شناسایی و معرفی شوند. علاوه بر این، وضعیت پژوهش‌های مدیریت دانش از نظر کلیدواژه‌های مورد استفاده مورد مطالعه قرار گرفت و نقشه حاصل از این پژوهش‌ها به همراه خوشه‌های موضوعی شکل‌گرفته ترسیم شد.

یافته‌ها نشان داد که از نظر فراوانی تولیدات علمی حوزه مدیریت دانش در داخل کشور، گرچه در برخی مهروموم‌ها تعداد مقالات با نوسان روبه‌رو بوده است، لکن روی هم رفته دارای روندی افزایشی بوده‌اند؛ که به نظر می‌رسد این رشد کمی همگام با پژوهش‌های جهانی این حوزه باشد، چرا که براساس یافته‌های پژوهش کوکبی، حیدری و صراطی شیرازی (۱۳۹۳) و صدیقی و جلالی منش (۱۳۹۱) رشد کمی پژوهش‌های جهانی در حوزه مدیریت دانش از شتاب خوبی برخوردار است. البته رشد پژوهش‌های مدیریت دانش در مطالعات دیگری از جمله الاجمی و الحاجی (۲۰۱۸) و چاکرابورتی و ورما (۲۰۱۸) نیز گزارش شده است. به نظر می‌رسد افزایش در تعداد تولیدات علمی حوزه مدیریت دانش چندان دور از انتظار نبوده باشد، چرا که این حوزه چندین سال است به صورت جدی از طریق دانشگاه‌ها و پژوهشگران مورد توجه قرار گرفته است و بخش قابل‌توجهی از دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی به این سمت سوق داده می‌شوند.

از نظر پرتولیدترین نویسندگان، نتایج پژوهش حاضر تا حدودی با نتایج پژوهش صدیقی و جلالی منش (۱۳۹۱) که همین کار را بر روی مقالات انگلیسی حوزه مدیریت دانش در پایگاه وب‌آو‌ساینس انجام داده‌اند همخوانی دارد؛ در پژوهش مذکور نیز همچون پژوهش حاضر، پژوهشگرانی از جمله «اخوان پ» و «جعفری م» در زمره پرنشانی‌ترین نویسندگان ایرانی، البته در عرصه بین‌المللی شناخته شدند. همچنین، برخی از پژوهشگران برتر حوزه مدیریت دانش که براساس پژوهش احمدی و کوکبی (۱۳۹۵) معرفی شده‌اند در این پژوهش نیز حضور دارند که از آن جمله می‌توان به «جعفری م»، «کنجکاو، ا» و «حسن زاده، م» اشاره کرد. البته با توجه به این که تعداد رکوردهای تحت مطالعه در پژوهش حاضر در مقایسه با

اثربخشی سازمانی، توانمندسازی، فرهنگ اشاره داشت. همان‌طور که می‌دانیم، در طراحی سازمان باید به جنبه‌های آشکار (ساختار) و ضمنی دانش (محتوی) توجه شد که محتوی شامل توسعه دانش و تسهیم آن باشد و شکل ساختاری پیوندها را توسعه‌دهنده دانش قرار دهد.

خوشه ۴. مؤسسات آموزشی و مدیریت دانش: این خوشه حاوی ۸ کلیدواژه است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به دانشگاه‌ها، زیرساخت‌های مدیریت دانش، آموزش عالی، اعضای هیئت‌علمی و سازمان یادگیرنده اشاره کرد. همان‌طور که می‌دانیم، دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در جهت دریافت دانش جدید، یادگیری سازمانی و تبدیل به سازمان یاددهنده تلاش کنند.

خوشه ۵. خلاقیت و نوآوری: در این خوشه ۸ کلیدواژه‌ای مواردی از قبیل خلاقیت، نوآوری، سازمان‌ها، مزیت رقابتی، عملکرد سازمانی، مدیریت اطلاعات، کارکنان و مدیریت دانش شخصی وجود دارد. بر همین اساس به نظر می‌رسد لازم است بر کاربردی کردن خلاقیت (جنبه فکری) نوآوری (جنبه عملی) در سازمان تأکید ویژه‌ای قرار گیرد؛ همچنین لازم است دانش‌آموخته شده آموزش داده شود.

خوشه ۶. مدیریت دانش و دارائی‌های سازمان: این خوشه از ۶ کلیدواژه شامل شده است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به سرمایه اجتماعی، سرمایه فکری، مدیریت ارتباط با مشتری و مدیریت دانش مشتری اشاره داشت. همان‌طور که می‌دانیم، سازمان دارای دارائی‌ها و سرمایه‌های مختلف است که فقط مالی نیست و می‌تواند انسانی، فکری، اجتماعی باشد. مثل تعهد، اعتماد، ایثار و از خودگذشتگی و حتی اطلاعات که از دارائی‌های سازمان هستند.

خوشه ۷. انواع دانش: این خوشه کوچک حاوی ۵ کلیدواژه بوده که دانش، دانش آشکار، دانش ضمنی و اقتصاد دانش‌بنیان مهم‌ترین آن‌ها است و با توجه به این کلیدواژه‌ها عنوان انواع دانش را می‌توان به آن داد که یکی از رایج‌ترین مباحث در پژوهش‌های مدیریت دانش به شمار می‌رود.

خوشه ۸. مدیریت دانش در کتابخانه‌ها: این خوشه کوچک‌ترین خوشه شکل‌گرفته از پژوهش‌های مدیریت دانش به شمار می‌رود که تنها از ۳ کلیدواژه تحت عنوان کتابخانه‌های دانشگاهی، کتابخانه‌های عمومی و کتابداران تشکیل شده است و همان‌طور که از موارد مذکور بر می‌آید بیشتر به مباحث مدیریت دانش در کتابخانه‌ها اشاره دارد.

می‌توان به مواردی از قبیل «تسهیم دانش»، «نوآوری»، «سرمایه فکری»، «یادگیری سازمانی»، «عملکرد سازمانی» و «فرهنگ سازمانی» اشاره کرد. در پژوهش اقیمی و لهنر (۲۰۱۶) نیز «تسهیم دانش» جزو مباحث پرتکرار اشاره شده است. همچنین این که کلیدواژه «مدیریت دانش» پرتکرارترین کلیدواژه در این حوزه باشد در پژوهش‌های پیشین از جمله الاجمی و الحاجی (۲۰۱۸) نیز به اثبات رسیده است. در پژوهش آن‌ها نیز به مانند پژوهش حاضر، کلیدواژه‌های دیگری نظیر «تسهیم دانش»، «عملکرد سازمانی» و «فرهنگ سازمانی» جزو موارد پرتکرار شناسایی شدند. در پژوهش ریبری و والتر (۲۰۱۳) نیز کلیدواژه‌های «تسهیم دانش»، «مدیریت دانش»، «سرمایه فکری»، «یادگیری سازمانی»، «استراتژی‌های مدیریت دانش» و «نوآوری» جزو کلیدواژه‌های پرتکرار معرفی شده‌اند که از این نظر با پژوهش حاضر همخوانی دارد. علاوه بر این، اصطلاحاتی نظیر «فرهنگ سازمانی»، «یادگیری سازمانی»، «سرمایه فکری»، «سرمایه اجتماعی» و «تسهیم دانش» از جمله کلیدواژه‌هایی است که هم‌سو با نتایج پژوهش حاضر، در پژوهش احمدی و کوکی (۱۳۹۴) نیز در زمره کلیدواژه‌های پرتکرار شناسایی شده‌اند.

در بخش خوشه‌های حاصل از تحلیل هم‌واژگانی، یافته‌های پژوهش نشان داد که پژوهش‌های فارسی مدیریت دانش از هشت خوشه موضوعی مجزا تشکیل یافته‌اند که قسمتی از یافته‌های این پژوهش با بخشی از یافته‌های پژوهش حاضری، توکلی‌زاده و ابراهیمی (۱۳۹۴) همخوانی دارد. نتایج حاصل از خوشه‌بندی پژوهشگران مذکور نیز نشان داد که مطالعات حوزه مدیریت دانش منجر به شکل‌گیری خوشه‌هایی از قبیل «دانش صریح و پنهان»، «فرایند مدیریت دانش»، «سامانه‌های مدیریت دانش در سازمان‌ها»، «اخلاقیت و کارآفرینی»، «آموزش و دانشگاه‌ها» و «ارزیابی و آموزش عالی» شده است. همچنین، خوشه «مؤسسات آموزشی» نیز در پژوهش کوکول و دیگران (۲۰۱۵) مورد اشاره قرار گرفته است. از جمله خوشه‌های شکل گرفته در پژوهش‌های مدیریت دانش ایران در مطالعه حاضر، خوشه «مدیریت دانش در کتابخانه‌ها» است که نشان می‌دهد حوزه مدیریت دانش تحت‌تأثیر پژوهش‌های انجام شده توسط متخصصان علم اطلاعات و دانش‌شناسی نیز قرار دارد و به عبارت دیگر، میان‌رشته‌ای بودن این حوزه را تأیید می‌نماید. در پژوهش‌های پیشین از جمله سرنکو و دیگران (۲۰۱۰)، لی و چن (۲۰۱۲)، الاجمی و الحاجی (۲۰۱۸)، چاکرابورتی و ورما (۲۰۱۸)، کوکی و دیگران (۱۳۹۳) و حاضری و دیگران (۱۳۹۴) نیز به میان‌رشته‌ای بودن حوزه

پژوهش احمدی و کوکی (۱۳۹۴) بیشتر است به نظر می‌رسد نتایج پژوهش کنونی از نظر معرفی پژوهشگران برتر حوزه مدیریت دانش، از جامعیت بیشتری برخوردار باشد. به طور کلی، نتایج مربوط به برترین پژوهشگران حوزه مدیریت دانش در ایران نشان داد که «اخوان پ» تأثیرگذارترین پژوهشگر ایران در این حوزه به شمار می‌رود. این پژوهشگر براساس تمامی شاخص‌های تحت بررسی در این پژوهش، از جمله تعداد مقاله، تعداد استناد، شاخص اچ و همچنین مرکزیت‌های هم‌نویسندگی رتبه نخست را به خود اختصاص داده است؛ که نشان می‌دهد «اخوان پ» علاوه بر این که هم از نظر کمی (تعداد مقاله) و هم از نظر کیفی (تعداد استناد) پژوهشگر برتر ایران در پژوهش‌های مدیریت دانش به شمار می‌رود، از نظر نفوذ اجتماعی و هم‌نویسندگی نیز مرکزی‌ترین نویسنده ایران در این حوزه محسوب می‌شود؛ زیرا همکاری متعددی با سایر پژوهشگران داشته است و براساس شبکه هم‌نویسندگی از جایگاه راهبردی و متمایزی برخوردار است.

همچنین به لحاظ همکاری علمی در پژوهش‌های حوزه مدیریت دانش، نتایج نشان داد که بیشتر مقالات این حوزه در قالب همکاری علمی به ثمر نشسته‌اند؛ به طوری که میانگین تعداد نویسنده‌گان در هر مقاله ۲/۶۲ نفر است. از این نظر، یافته‌های پژوهش با نتایج مطالعه اخوان و دیگران (۲۰۱۶) هم‌سو است. آن‌ها نشان دادند که سهم کوچکی (۲۴/۸ درصد) از کل پژوهش‌های مدیریت دانش در قالب تک نویسنده‌گی به چاپ رسیده‌اند و سهم مقالات تک نویسنده در گذر زمان رو به کاهش بوده است.

نتایج مربوط به تحلیل کلیدواژه‌ها نشان داد که کلیدواژه‌های «مدیریت دانش»، «فرهنگ سازمانی»، «دانشگاه‌ها» و «دانش» از جمله پرتکرارترین کلیدواژه‌ها در پژوهش‌های حوزه مدیریت دانش در یک دهه اخیر بوده‌اند که این نتیجه چندان دور از انتظار نیست؛ زیرا واژه «مدیریت دانش» موضوع مشترک و عام در پژوهش‌های این حوزه است و «فرهنگ سازمانی» نیز مبحث رایج و مهمی در پژوهش‌های مدیریت دانش به شمار می‌رود. همچنین «دانشگاه‌ها» با آموزش و پژوهش در مدیریت دانش در سال‌های اخیر مبانی نظری این حوزه را بسیار گسترش داده‌اند؛ و در نهایت اینکه «دانش» نقطه اشتراک تمامی تعاریف و مباحث مطرح در حوزه مدیریت دانش به شمار می‌رود. برخی از کلیدواژه‌هایی که در این پژوهش جزو کلیدواژه‌های پرتکرار شناسایی شده‌اند در پژوهش حاضری، توکلی‌زاده و ابراهیمی (۱۳۹۵) نیز جزو کلیدواژه‌های دارای مرکزیت بالا معرفی شده‌اند؛ که از آن جمله

همچنین با توجه به این که براساس نتایج پژوهش حاضر، بیشتر مقالات این حوزه در قالب همکاری علمی به ثمر رسیده‌اند و وضعیت شبکه هم‌نویسندگی حاصل از پژوهش‌های مدیریت دانش و تعاملاتی که نویسندگان مرکزی با سایر نویسندگان برقرار کرده‌اند، پیشنهاد می‌شود پژوهشگران جوان در صورت امکان نسبت به انجام همکاری علمی با این نویسندگان مبادرت ورزند. از جانب دیگر، با توجه به وضعیت کلیدواژه‌های برتر و خوشه‌های شکل گرفته از تحلیل هم‌واژگانی، پیشنهاد می‌شود این مباحث در مبانی نظری مدیریت دانش بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.

در ادامه این پژوهش، پیشنهاد می‌شود در پژوهشی مشابه، وضعیت پایان‌نامه‌های فارسی که در حوزه مدیریت دانش انجام شده‌اند از نقطه نظر علم‌سنجی بررسی شوند و خوشه‌های موضوعی آن با خوشه‌های موضوعی حاصل از پژوهش حاضر به صورت تطبیقی مقایسه شوند تا مشخص شود که مباحث پایان‌نامه‌ها تا چه اندازه با مقالات همخوانی دارند. علاوه بر این، با توجه به این که در این پژوهش به تولیدات علمی حوزه مدیریت دانش در پایگاه استنادی جهان اسلام پرداخته شد، پیشنهاد می‌شود در پژوهشی مشابه وضعیت تولیدات علمی پژوهشگران ایران در پایگاه وب آو ساینس (آی.اس.آی)، متناظر با اهداف پژوهش حاضر، مورد مطالعه قرار گیرد و نتایجش با کار حاضر مقایسه شود.

مدیریت دانش و تأثیرپذیری مطالعات آن از رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی اشاره شده است. همچنین در پژوهش حاضر، توکلی‌زاده و ابراهیمی (۱۳۹۵) نیز تأیید شد که «علم اطلاعات و دانش‌شناسی» به عنوان یکی از حوزه‌های علمی فعال در زمینه مدیریت دانش به شمار می‌رود. البته جایگاه و تأثیرگذاری علم اطلاعات و دانش‌شناسی در پژوهش‌های مدیریت دانش اخیراً در مطالعه‌ای توسط آگاروال و اسلام (۲۰۱۸) تا حدودی مورد تردید قرار گرفته است.

نتایج این پژوهش می‌تواند تحت تأثیر برخی محدودیت‌ها قرار گرفته باشد. از آنجا که پایگاه استنادی علوم جهان اسلام منبع اصلی داده‌های این پژوهش بوده است و صفحه جستجوی پیشرفته پایگاه مذکور چندان حرفه‌ای و توسعه یافته طراحی نشده است، امکان استفاده از راهبردهای جستجوی جامع و مانع در آن امکان‌پذیر نیست؛ به همین دلیل، گرچه سعی شده است بهترین راهبرد جستجو در این پژوهش لحاظ گردد، اما ممکن است برخی مقاله‌ها که به لحاظ محتوایی در ذیل پژوهش‌های مدیریت دانش قرار می‌گیرند در این پژوهش مغفول مانده باشند و چنین مسئله‌ای نتایج پژوهش حاضر را با محدودیت مواجه ساخته باشد.

در بازه ده‌ساله مورد بررسی در این پژوهش، پژوهشگران برتر دهه اخیر در حوزه مدیریت دانش شناسایی شدند که براساس آن، دانشجویان و علاقه‌مندان این حوزه می‌توانند آثار افراد مذکور را به صورت مداوم پیگیری و مطالعه نمایند و

منابع

- احمدی، علی و کویکی، مرتضی (۱۳۹۴). همایندی واژگان: مطالعه‌ای پیرامون پیوند و مرز میان مدیریت اطلاعات و مدیریت دانش براساس انتشارات داخلی نویسندگان ایرانی. *پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات*، ۳۰(۳)، ۶۴۷-۶۷۶
- حاضری، افسانه؛ توکلی‌زاده راوری، محمد و ابراهیمی، وجیهه (۱۳۹۴). تعیین طبقات اصلی مرتبط با مدیریت دانش در پایگاه وب آو ساینس و مطالعه همپوشانی موضوعی آن‌ها. *پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات*، ۳۰(۴)، ۹۹۷-۱۰۲۳
- (۱۳۹۵). وجوه اشتراک موضوعی در حوزه‌های علمی فعال مدیریت دانش براساس شاخص مرکزیت بینایی. *Association for Information Science and Technology*, 55(1), 1-9.
- Akhavan, P., Ebrahim, N. A., Fetrafi, M. A. & Pezeshkan, A. (2016). Major trends in knowledge management research: a
- فصلنامه مطالعات ملی کتابداری و سازمان‌دهی اطلاعات، ۲۷(۲)، ۱۱۲-۱۲۸
- صدیقی، مه‌ری و جلالی منش، عمار (۱۳۹۱). مطالعه روند پژوهش در حوزه مدیریت دانش در بازه زمانی ۲۰۰۱-۲۰۱۰ و ترسیم ساختاری از آن. *پژوهش‌نامه پردازش و فناوری اطلاعات*، ۲۸(۲)، ۳۶۳-۳۹۲.
- کویکی، مرتضی؛ حیدری، غلامرضا و صراطی شیرازی، منصوره (۱۳۹۳). مقایسه کتابشناختی برون‌داده‌های انتشاراتی حوزه‌های مدیریت اطلاعات و مدیریت دانش با تأکید بر سهم علم اطلاعات و دانش‌شناسی در هریک از این حوزه‌ها. *پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات*، ۳۰(۲)، ۳۹۷-۴۱۷.
- Agarwal, N. K. & Islam, A. (2018). Ascertainning the place of library & information science in knowledge management research. *Proceedings of the*

- bibliometric study. *Scientometrics*, 107(3), 1249-1264.
- Alajmi, B. & Alhaji, T. (2018). Mapping the field of knowledge management: bibliometric and content analysis of *Journal of Information & Knowledge Management* for the period from 2002–2016. *Journal of Information & Knowledge Management*, 17(03), 1850027.
- Chakraborty, N. & Verma, M. K. (2018). Knowledge management (KM) research in academic institutions of India: A review. *KIIT Journal of Library and Information Management*, 5(2), 102-108.
- Chauvel, D. & Despres, C. (2002). A review of survey research in knowledge management: 1997-2001”, *Journal of knowledge management*, 6 (3),207-223.
- Cheng, F. F., Huang, Y. W., Tsaih, D. C. & Wu, C. S. (2019). Trend analysis of co-authorship network in Library Hi Tech. *Library Hi Tech*, 37(1), 43-56.
- Dwivedi, Y. K., Venkitachalam, K., Sharif, A. M., Al-Karaghoul, W. & Weerakkody, V. (2011). Research trends in knowledge management: Analyzing the past and predicting the future. *Information Systems Management*, 28(1), 43-56.
- Fteimi, N. & Lehner, F. (2016). Main research topics in knowledge management: A content analysis of ECKM publications. *Electronic Journal of Knowledge Management*, 14(1), 5-17.
- Garlatti, A. & Massaro, M. (2016). Is KM declining? Editorial for EJKM. *Electronic Journal of Knowledge Management*, 14(1), 1-88.
- Guo, Z. & Sheffield, J. (2008). A paradigmatic and methodological examination of knowledge management research: 2000 to 2004. *Decision Support Systems*, 44(3), 673-688.
- Ibáñez, A., Larrañaga, P. & Bielza, C. (2011). Using Bayesian networks to discover relationships between bibliometric indices. A case study of computer science and artificial intelligence journals. *Scientometrics*, 89(2), 523-551.
- Kukko, M. (2013). Knowledge sharing barriers in organic growth: A case study from a software company. *The Journal of High Technology Management Research*, 24(1), 18-29.
- Leane, E., Fletcher, L. & Garg, S. (2019). Co-authorship trends in English literary studies, 1995–2015. *Studies in Higher Education*, 44(4), 786-798.
- Lee, M. R. & Chen, T. T. (2012). Revealing research themes and trends in knowledge management: From 1995 to 2010. *Knowledge-Based Systems*, 28, 47-58.
- Nonaka, I. & Peltokorpi, V. (2006). Objectivity and subjectivity in knowledge management: a review of 20 top articles. *Knowledge and process management*, 13(2),73-82.
- Ponzi, L. J. (2002). The intellectual structure and interdisciplinary breadth of knowledge management: A bibliometric study of its early stage of development. *Scientometrics*, 55(2), 259-272.
- Rivière, V. & Walter, C. (2013). 10 years of KM theory and practices. *Knowledge Management Research & Practice*, 11(1), 4-9.
- Sarka, P., Heisig, P., Caldwell, N. H., Maier, A. M. & Ipsen, C. (2019). Future research on information technology in knowledge management. *Knowledge and Process Management*, 1-20.
- Sedighi, M. & Jalalimanesh, A. (2017). Mapping research trends in the field of knowledge management. *Malaysian Journal of Library & Information Science*, 19(1), 71-85.
- Serenko, A. & Bontis, N. (2004). Meta-review of knowledge management and intellectual capital literature: Citation impact and research productivity rankings. *Knowledge and process management*, 11(3), 185-198.
- Serenko, A. & Bontis, N. (2009). Global ranking of knowledge management and intellectual capital academic journals. *Journal of Knowledge Management*, 13(1), 4-15.
- Serenko, A., Bontis, N., Booker, L., Sadeddin, K. & Hardie, T. (2010). A scientometric analysis of knowledge management and intellectual capital academic literature (1994-2008). *Journal of knowledge management*, 14(1), 3-23.
- Tietze, A. & Hofmann, P. (2019). The h-index and multi-author h m-index for individual researchers in condensed matter physics. *Scientometrics*, 119(1), 171-185.

Walter, C. & Ribière, V. (2013). A citation and co-citation analysis of 10 years of KM theory and practices. *Knowledge*

Management Research & Practice, 11(3), 221-229.